مدل‌یابی اهداف پیشرفت چهارگانه در نوجوانان بر مبنای پدیدآورندگی، راکدماندگی و سبکهای فرزندپروری والد سرپرست خانواده

دکتر آزاده فرقدانی[۱]
عدنان واعظی[۲]
دکتر فاطمه شاطریان محمدی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی روابط درونی متغیرهای پدیدآورندگی، راکدماندگی و نقش میانجی سبکهای فرزندپروری در زمینهٔ جهت‌گیری چهارگانه هدف پیشرفت، به منظور ارائه مدلهای چهارگانه‌ای براساس اهداف پیشرفت، صورت پذیرفته است. نمونه پژوهش شامل ۳۷۰ دانش‌آموز دختر از مدارس دولتی مقطع متوسطه نواحی چهارگانه محدوده شهری قم و والد سرپرست آنها در دامنه سنی ۶۰-۴۰، با حداقل تحصیلات دیپلم و شاغل است که براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های پدیدآورندگی، راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری (مربوط به والد) و جهت‌گیری چهارگانه هدف پیشرفت (مربوط به دانش‌آموز) است. تحلیل داده‌ها براساس تحلیل مسیر، در نهایت منجر به طراحی چهار مدل برای چهار متغیر وابسته جهت‌گیری هدف پیشرفت (اهداف پیشرفت تسلطی، عملکردی گرایشی، عملکردی اجتنابی، بلاتکلیفی) شد. مدل اول براساس متغیر وابسته نهایی هدف پیشرفت تسلطی، حاکی از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم پدیدآورندگی بر هدف پیشرفت تسلطی و تأثیر مستقیم سبک مقتدرانه و تأثیر غیرمستقیم راکدماندگی بر هدف پیشرفت تسلطی است (ضریب تعیین مدل: ۰/۵۳). مدل دوم براساس متغیر وابسته نهایی جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی گرایشی حاکی از تأثیرات مستقیم پدیدآورندگی و سبک مستبدانه بر هدف عملکردی گرایشی و تأثیر مستقیم سبک سهل‌گیرانه و تأثیر غیرمستقیم راکدماندگی بر هدف عملکردی گرایشی است (ضریب تعیین مدل: ۰/۳۸). مدل سوم براساس متغیر وابسته نهایی جهت‌گیری هدف پیشرفت بلاتکلیفی، حاکی از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم پدیدآورندگی بر جهت‌گیری بلاتکلیفی و تأثیر مستقیم سبک مقتدرانه و تأثیر غیرمستقیم راکدماندگی بر جهت‌گیری بلاتکلیفی است (ضریب تعیین مدل: ۰/۴۴). مدل چهارم براساس متغیر وابسته نهایی هدف عملکردی اجتنابی، حاکی از تأثیر مستقیم سبک مستبدانه بر هدف عملکردی اجتنابی و تأثیر غیرمستقیم راکدماندگی بر هدف عملکردی اجتنابی است (ضریب تعیین مدل: ۰/۴۰).

کلید واژگان: جهت‌گیری اهداف پیشرفت، پدیدآورندگی، راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۳۰

۱.استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، گروه روانشناسی edalataz@gmail.com
۲.کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه Shad_Vaezi@yahoo.com
۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، گروه روانشناسی fshaterian@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

مقدمه

موضوع هدفمندی و داشتن هدف، توجه بسیاری از محققان را در قالب مفاهیمی مانند جهت‌گیری هدف پیشرفت، به خود معطوف کرده است. از این رو، ساختارهای زمینه‌ای گوناگون جهت‌گیری هدف پیشرفت فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اوکیفه[۱]، بن الیاهو[۲] و لیننبرینک گارسیا[۳]، ۲۰۱۲). جهت‌گیری هدف، الگویی یکپارچه از باورها، اسنادها، هیجانها و معیارهایی است که یادگیرندگان را به سوی یک رویکرد هدایت می کند و موجب می‌شود تا آنان به تکالیف پیشرفت و موقعیتها به طرق گوناگون پاسخ دهند (لی[۴]، مک اینرنی[۵]، لیام[۶] و ارتیگا[۷]، ۲۰۱۰). بنابراین هدف پیشرفت به مقصود دانش‌آموز در موقعیتهای پیشرفت با توجه به تواناییهای خود در یک یا مجموعه‌ای از فعالیتها، اشاره دارد (پوتواین[۸] و دانیلز[۹]، ۲۰۱۳). برای جهت‌گیری هدف پیشرفت، ابعاد مختلفی در نظر گرفته شده که در پژوهش حاضر روی چهار بعد، یعنی هدف پیشرفت تسلطی، عملکردی گرایشی، عملکردی اجتنابی و بلاتکلیفی تمرکز شده است. در پژوهشهای موجود به بعد بلاتکلیفی در مقایسه با سایر ابعاد پرداخته نشده است. از آنجایی که برای دانش‌آموز دارای هدف تسلطی، کفایت و مهارت در تکلیف اهمیت دارد، در چارچوب معیارهایی که خودش تعیین می‌کند، پیش می‌رود. این در حالی است که دانش‌آموز دارای هدف عملکردی گرایشی، توانایی خود را غیرقابل تغییر در نظر می‌گیرد و صرفاً بر اهدافی که شانس بالایی برای موفقیت دارند و براساس معیارهای دیگران تعیین می‌شوند، تمرکز می‌کند (کرید[۱۰]، تیلبوری[۱۱]، بایز[۱۲] و کرافورد[۱۳]، ۲۰۱۱). در هدف عملکردی اجتنابی، دانش‌آموز برای اجتناب از بی‌کفایت به نظر رسیدن در نظر همکلاسیهای خود و قضاوت منفی یا عدم تأئید دیگران (سلار[۱۴]، استالماخر[۱۵]، یانگ[۱۶] و همکاران، ۲۰۱۰) سعی دارد تا با صرف حداقل تلاش ممکن و کمترین زمان برای حصول نتایج، از تکالیف چالش برانگیز، اجتناب کند (تومینن ـ

1. O'keefe
2. Ben-Eliyahu
3. Linnenbrink Garcia
4. Lee
5. McInerney
6. Liem
7. Ortiga
8. Putwain
9. Daniels
10. Creed
11. Tilbury
12. Buys
13. Crawford
14. Cellar
15. Stulmacher
16. Young

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

سوئینی[1]، سالملا ـ آرو[2]، نیمی‌ویرتا[3]، ۲۰۱۱).

در مقابل این سه نوع جهت‌گیری هدف پیشرفت، دانش‌آموزان بلاتکلیف وجود دارند. این افراد در پایین‌ترین سطح رشد هویت قرار دارند و نمی‌دانند که باید به اهداف یا باورهای خودشان متعهد باشند یا دیگران و در قالب معیارهای خود عمل کنند یا دیگران. بنابراین تلاشی هم برای بررسی مجدد باورهای خود نمی‌کنند و از هویتی رشدنایافته‌تر برخوردار هستند. لذا راه‌حل را در سپردن خود به دست تقدیر و آنچه پیش می‌آید، همرنگی سریع و بدون تفکر با اطرافیان یا گاهی در خود فرورفتگی می‌بینند. در این شرایط، بروز تعارضهای شدید، احساس ناامیدی را نسبت به آینده، تشدید می‌کند (لطیفیان و هاشمی، ۱۳۸۸). براساس پژوهشها نیز اهداف عملکردی اجتنابی و بلاتکلیفی در مقایسه با اهداف تسلطی و عملکردی گرایشی با پیامدهای منفی‌تر مانند عاطفه منفی (کهولت و جوکار، ۱۳۹۱)، کاهش کمال‌گرایی جامعه‌مدار (لطیفیان و هاشمی، ۱۳۸۸)، تعلل‌ورزی (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱)، کاهش پیشرفت تحصیلی (عطایی‌فر و شقاقی، ۱۳۹۰)، کاهش باورهای خودکارآمدی (فریدل[4] و همکاران، ۲۰۱۰) و تغییر در ارزشهای فردی (اوکیفه، بن الیاهو و لیننبرینک گارسیا، ۲۰۱۲) همراه است.

از آنجایی که جهت‌گیری هدف پیشرفت در دانش‌آموز، نشانگر انگیزه او از تحصیل است (لائو[5] و نای[6]، ۲۰۰۸) بنابراین پرداختن به متغیرهایی که از جهت‌گیری هدف پیشرفت در دانش‌آموزان، درک بهتری فراهم می‌کنند، ضروری است. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا برای تبیین جهت‌گیری چهارگانه اهداف پیشرفت، مدل چهارگانه‌ای نیز براساس نقش مستقیم ویژگیهای شخصیتی پدیدآورندگی ـ راکدماندگی در والد سرپرست و نقش میانجی سبکهای فرزندپروری در زمینهٔ هدف پیشرفت، طراحی شود.

سبک فرزندپروری والدین غالباً با مهم‌ترین دستاوردهای فرزندان مانند تواناییهای شناختی و اجتماعی ارتباط دارد و زمینه‌ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرشها، احساسات و عادات آنهاست (ودودی مفید، آزاد فلاح و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۱).

فرزندان والدین مستبد، در مقابل عوامل تنیدگی‌زا، آسیب‌پذیرند و از استقلال و انعطاف‌پذیری کمتر برخوردار هستند (زنگنه ابراهیمی، ۱۳۸۹). فرزندان والدین سهل‌گیر، در کنترل تکانه‌های خود

1. Tuominen-Soini
2. Salmela-Aro
3. Niemivirta
4. Friedel
5. Lau
6. Nie

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

مشکل دارند و فاقد خودانگیختگی هستند. در مقابل، فرزندان والدین مقتدر از یک فردیت مطمئن و مستقل‌تر برخوردارند. والدین مقتدر، هدف پیشرفت تسلطی و والدین مستبد، هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی را در فرزندان پرورش می‌دهند (اژه‌ای، غلامعلی لواسانی، مال احمدی، خضری آذر، ۱۳۹۰) که این افراد لزوماً دارای وضعیت نامطلوب از نظر تحصیلی، رفتاری یا روانی نیستند امّا در مقایسه با افراد دارای هدف تسلطی، از جهت‌گیری انگیزشی نامطلوب‌تر و متزلزل‌تر برخوردارند. سبک فرزندپروری مقتدرانه به‌خلاف سبکهای سهل‌گیر و مستبد با عزت نفس (سپهریان آذر، امانی ساری بگلو و محمودی، ۱۳۹۲)، کاهش خودشیفتگی (احمدی، مهرابی‌زاده هنرمند، زرگر و همکاران، ۱۳۹۲)، هویت اطلاعاتی و هنجاری (باباپور و محمدی، ۱۳۹۱)، کاهش استراتژیهای منفی تنظیم شناختی هیجان (سامانی، سهرابی شگفتی، منصوری، ۱۳۹۰)، توانایی حل مسئله و رشد اجتماعی (آبار[1]، کارتر[2]، وینسلر[3]، ۲۰۰۹) و درون‌ریزی کمتر (الیور[4]، گورین[5] و کافمن[6]، ۲۰۰۹) در فرزندان رابطه دارد. امّا بدیهی است مرحله رشدی که والدین در آن قرار دارند و ویژگیهای غالب در آن مرحله، می‌تواند بر سبک فرزندپروری آنها تأثیرگذار باشد. براساس نظریه رشد روانی ـ اجتماعی اریکسون، افراد در هر یک از دوره‌های رشدی، با چالشها و تکالیف رشدی روبه‌رو هستند. در پژوهش حاضر بر والدینی تمرکز شده است که سرپرست خانواده هستند و در دامنه سنی ۴۰ تا ۶۰ قرار دارند. این دامنه سنی، مطابق با مرحله پدیدآورندگی[7] در برابر راکدماندگی[8] است که در آن، بزرگسالانی که نقش والدی هم دارند با تکالیف رشدی مانند نگرانی و تعهد درباره ارتقای نسل آینده و به‌طور کلی مراقبت از به انجام رسیدن چیزی که می‌تواند در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و شغلی، نمایان شود، روبه‌رو هستند (فرنچ[9]، پرت[10] و نوریس[11]، ۲۰۰۷). از نظر اریکسون، افراد در این مرحله، ممکن است پدیدآورنده باشند یا راکدمانده. پدیدآورندگی صرفاً در زمینهٔ به دنیا آوردن فرزند (پدیدآورندگی زیستی)، والدی کردن (پدیدآورندگی والدینی) و آموزش دادن (پدیدآورندگی فنی) مطرح نمی‌شود، بلکه بعد مهم دیگری نیز به نام پدیدآورندگی فرهنگی دارد که شامل انتقال نظام نمادین ذهنی بزرگسال به نسل آینده است (دی مدیروس[12]، ۲۰۰۹).

1. Abar
2. Carter
3. Winsler
4. Oliver
5. Guerin
6. Coffman
7. Generativity
8. Stagnation
9. Frensch
10. Pratt
11. Norris
12. DeMedeiros

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

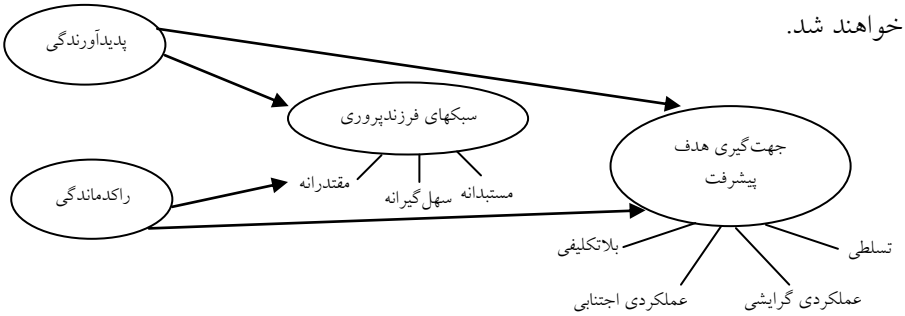
والدین پدیدآورنده، باید علاوه بر تمایلات مستقلانه که شامل توجه به نیازهای خود می‌شود، تمایلات اشتراکی (توجه به نیازهای دیگران) نیز داشته باشند (برادلی[1] و مارسیا[2]، ۱۹۹۸). پدیدآورندگی علاوه بر تمایلات مستقلانه و اشتراکی، توجه به انتظارات فرهنگی، نگرانی درباره نسل آینده، باورهای خوش‌بینانه نسبت به آینده، تعهد به اهداف و طرحها و عمل کردن به آنها و در نهایت روایت مثبتی از داستان زندگی هر فرد را دربر می‌گیرد. فرد پدیدآورنده از روشهای سالمی برای ابراز خود، محافظت از خود و رشد خود به منظور یافتن جایگاهی برای خود استفاده می‌کند. زنها اغلب در حیطه عشق به فرزندان و مردها غالباً در حیطه کار و شغل در پی جا گذاشتن میراثی از خود هستند. امّا فرد راکدمانده در مرحله اول به نیازهای جسمانی و روانی خودش توجه دارد و ممکن است بعد از مدتی به علت انفعال، نسبت به مراقبت از خودش هم، بی‌انگیزه شود. فرد راکدمانده در حیطه عاطفی نسبت به همسر و فرزندانش منفعل است، در حیطه شغلی، از کار لذت نمی‌برد و در ارتباط با اجتماع، کاری به تغییرات، فعالیتها، چالشها و مشکلات اجتماعی ندارد و در گذشته فرو می‌رود و افسوس می‌خورد (شاهی، ۱۳۹۰). براساس پژوهشها، پدیدآورندگی با سبک والدگری اقتدارگرایانه رابطه دارد (پرت، نوریس، آرنولد[3]، فیلیر[4]،۱۹۹۹) و افراد پدیدآورنده دارای اعتماد به نفس، خویشتنداری، تحمل ابهام (هلسون[5] و استوارت[6]، ۱۹۹۴)، انطباق روانی ـ اجتماعی، استفاده از راهبردهای مقابله‌ای بالغانه‌تر (وایلنت[7] و میلوفسکی[8]، ۱۹۸۰)، رضایت از زندگی و انسجام زندگی (آکرمن[9]، زروف[10]، موسکویتز[11]، ۲۰۰۰) و بهزیستی روانشناختی و اجتماعی (استوارت و آزترو[12]، ۱۹۹۸) هستند. همچنین راکدماندگی با روان رنجورخویی، عدم گشوده بودن به تجربه و درونگرایی بیشتر و افسردگی بیشتر رابطه دارد (ون هیل[13]، ۲۰۰۶؛ به نقل از شاهی، ۱۳۹۰). گرایش افراد به پدیدآورندگی یا راکدماندگی و در نتیجه عملکرد متفاوت روانی، اجتماعی و شغلی دربارهٔ خود، فرزندان و جامعه، ارتباطی نزدیک با سبک فرزندپروری آنها دارد و نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد. در هر سبک فرزندپروری ویژگیهای شخصیتی در والدین دیده می‌شود

1. Bradley
2. Marcia
3. Arnold
4. Filyer
5. Helson
6. Stewart
7. Vaillant
8. Milofsky
9. Ackerman
10. Zuroff
11. Moskowitz
12. Ostrove
13. Van Hiel

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

که یکی از عوامل مهم در نحوه برخورد والدین و نوع نگرش آنها در این زمینه است. از طرفی هم سبک فرزندپروری و معیارها و انتظارات والدین که برخاسته از این سبکهاست، می‌تواند نگاه متفاوتی را دربارهٔ جهت‌گیریهای هدف پیشرفت در فرزندان ایجاد کند. البته گاهی تحقیقات متناقض در زمینهٔ روابط این متغیرها دیده می‌شود. بررسی پژوهشها حاکی از آن است که در مورد جهت‌گیری بلاتکلیفی به عنوان یکی از جهت‌گیریهای هدف پیشرفت و پدیدآورندگی ـ راکدماندگی و به‌طور کلی روابط درونی پدیدآورندگی ـ راکدماندگی و جهت‌گیری هدف پیشرفت با واسطه-گری سبکهای فرزندپروری، پژوهشی انجام نشده است.

در پژوهش حاضر تلاش شده است که برای هر جهت‌گیری هدف پیشرفت (تسلطی، عملکردی گرایشی، عملکردی اجتنابی، بلاتکلیفی) به منزلهٔ متغیر وابسته نهایی در زمینهٔ پدیدآورندگی، راکدماندگی و سبکهای فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه به عنوان میانجی، یک مدل جداگانه طراحی شود. در زیر، چارچوب کلی مدل نظری پژوهش و در بخش یافته‌ها، هر یک از مدلهای استخراج شده از پژوهش برای هر متغیر وابسته به‌طور جداگانه تحلیل خواهند شد.



نمودار شماره ۱. مدل نظری پژوهش

طرح پژوهش

از آنجایی که در مدل‌یابی ساختاری به بررسی روابط درونی میان متغیرها پرداخته می‌شود، لذا پژوهش حاضر بر مبنای طرح همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه والدهای سرپرست (که غالباً پدران بوده‌اند) در دامنه سنی ۴۰ تا ۶۰ ، با حداقل تحصیلات دیپلم، شاغل و فرزندان دختر آنها (۱۵ تا ۱۸ سال) در مقطع تحصیلی متوسطه در مدارس دولتی روزانه در محدوده شهری استان قم است. شمار این نوجوانان، ۴۶۳۰۰ نفر بوده است. براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای، ابتدا از ۲۸ مدرسه دخترانه نواحی ۴ و ۳ و ۲ و ۱ قم، ۱۴ مدرسه به‌طور تصادفی و سپس از هر مدرسه ۲ کلاس به‌طور تصادفی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

انتخاب شدند. پرسشنامه جهت‌گیری هدف پیشرفت در اختیار ۲۶ دانش‌آموز از ۲ کلاس مذکور قرار گرفت که والد سرپرست آنها دارای سن ۶۰-۴۰ سال، با حداقل تحصیلات دیپلم و شاغل بوده است. سپس پرسشنامه‌های پدیدآورندگی ـ راکدماندگی و سبکهای فرزندپروری در اختیار والدین این دانش‌آموزان قرار گرفت. حجم نمونه دانش‌آموزان، ۳۷۰ نفر و والد سرپرست آنها ۳۷۰ والد بوده است.

ابزار

در این پژوهش از چهار پرسشنامه و مقیاس برای سنجیدن پدیدآورندگی، راکدماندگی، جهت‌گیری هدف پیشرفت (تسلطی، عملکردی گرایشی، عملکردی اجتنابی، بلاتکلیفی) و سبکهای فرزندپروری (مستبدانه، آسان‌گیر، مقتدرانه) استفاده شده است.

الف) مقیاس پدیدآورندگی لویولا[1]

این مقیاس را مک آدامز[2] و دی سانت[3] (۱۹۹۲) ساخته‌اند و دارای ۲۰ سؤال است که براساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (۳-۰) نمره‌گذاری می‌شود. روایی وابسته به ملاک مقیاس در خارج از کشور، از طریق همبستگی معنادار با اعمال پدیدآورنده (r=۰/۸۳) و موضوعات پدیدآورندگی در داستانهای شرح حال شخصی (r=۰/۸۴) محاسبه شده و پایایی براساس آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ گزارش شده است. در ایران، پس از ترجمه از انگلیسی به فارسی و از فارسی به انگلیسی و تطابق، روایی آن ابتدا به صورت صوری و محتوایی و سپس از طریق همسانی درونی ۰/۷۵ و پایایی آن براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شده است (شاهی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر نیز، پایایی مقیاس براساس آلفای کرونباخ، ۰/۷۵ محاسبه شده است.

ب) مقیاس راکدماندگی برادلی

این مقیاس را برادلی (۱۹۹۷) ساخته و دارای ۳۲ سؤال است که براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (۵-۱) نمره‌گذاری می‌شود. روایی وابسته به ملاک این مقیاس از طریق همبستگی معنادار با نادیده‌انگاری (r=۰/۵۶)، حمایت (r=۰/۵۲) و کنترل منفی (r=۰/۴۵) و پایایی براساس آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ محاسبه شده است. در ایران، پس از ترجمه از انگلیسی به فارسی و از فارسی به انگلیسی و تطابق و بررسی روایی صوری و محتوایی، همسانی درونی آن، ۰/۷۵ محاسبه شد و

1. Loyola
2. McAdams
3. Di Saunt

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

پایایی براساس آلفای کرونباخ، ۰/۷۶ محاسبه شد (شاهی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر نیز، پایایی مقیاس براساس آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ محاسبه شده است.

ج) پرسشنامه سبکهای فرزندپروری بامریند[1]

این پرسشنامه را در سال ۱۹۷۳ میلادی بامریند ساخته و دارای ۳۰ سؤال است که براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (۵-۱) نمره‌گذاری می‌شود. بازآزمایی پرسشنامه، ۰/۸۱ را برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ را برای شیوه مستبدانه و ۰/۷۸ را برای شیوه مقتدرانه نشان داد. ثبات درونی با استفاده از آلفای کرونباخ، برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۸۵، برای شیوه استبدادی ۰/۸۲ و برای شیوه اقتدار منطقی، ۰/۷۵ محاسبه شده است (زنگنه ابراهیمی،۱۳۸۹). محاسبه پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر نیز براساس آلفای کرونباخ، ضرایب ۰/۷۰ تا ۰/۷۶ را نشان می‌دهد.

د) پرسشنامه جهت‌گیری هدف پیشرفت

این پرسشنامه را وندی ویل[2] (۱۹۹۷)، الیوت[3] و مک گریگور[4] (۲۰۰۱) ساخته اند و دارای ۲۰ سؤال است که براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (۵-۱) نمره‌گذاری می‌شود. روایی پرسشنامه براساس تحلیل عامل، چهار جهت‌گیری را در هدف پیشرفت یعنی تسلطی (۰/۷۰)، عملکردی گرایشی (۰/۷۰)، عملکردی اجتنابی (۰/۷۰) و بلاتکلیفی (۰/۸۰)، مشخص کرده (لطیفیان و هاشمی، ۱۳۸۸) و پایایی کل پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر همچنین پایایی هدف پیشرفت تسلطی ۰/۶۵، عملکردی گرایشی ۰/۷۰، عملکردی اجتنابی ۰/۶۴ و بلاتکلیفی ۰/۸۰ محاسبه شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از آنکه پرسشنامه‌ها برای پیشگیری از خستگی پاسخ‌دهندگان در پاسخ دادن به سؤالها در دو نوبت اجرا شدند، داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تحلیل مسیر) تحلیل شدند.

یافته‌ها

داده‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی که شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش است و آمار استنباطی که شامل بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرها به همراه مدلهای برازش شده است، ارائه خواهد شد.

1. Baumrind
2. Vande Walle
3. Eliot
4. McGregor

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
پدیدآورندگی	۱/۹۴	۰/۳۹
راکدماندگی	۲/۳۲	۰/۴۸
فرزندپروری مستبدانه	۲/۶۳	۰/۵۴
فرزندپروری آسان‌گیر	۲/۵۴	۰/۴۹
فرزندپروری مقتدرانه	۴/۱۶	۰/۵۵
هدف پیشرفت تسلطی	۳/۷۲	۰/۶۷
هدف پیشرفت عملکردی گرایشی	۴/۱۵	۰/۶۸
هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی	۳/۲۳	۰/۷۳
هدف پیشرفت بلاتکلیفی	۲/۵۱	۰/۹۷

در جدول شماره ۱، میانگین و انحراف استانداردهای هر یک از متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول شماره ۲. ماتریس همیشگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- راکدماندگی	-								
۲- پدیدآورندگی	-۰/۶۵**	-							
۳- سهل‌گیری	۰/۴۳**	-۰/۰۳	-						
۴- مستبدانه	۰/۴۵**	-۰/۳۸**	۰/۵۰**	-					
۵- مقتدرانه	-۰/۴۶**	۰/۴۸**	-۰/۰۶	-۰/۳۳**	-				
۶- تسلطی	-۰/۰۲	-۰/۴۸**	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۷**	-			
۷- گرایشی	۰/۰۱	۰/۳۵**	-۰/۳۹**	۰/۵۰**	۰/۰۴	۰/۳۷**	-		
۸- اجتنابی	۰/۰۶	-۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۶۰**	۰/۰۳	-۰/۲۶*	۰/۵۸**	-	
۹- بلاتکلیفی	۰/۳۸*	-۰/۴۹**	-۰/۰۲	۰/۰۱	-۰/۵۳**	۰/۵۱**	-۰/۰۳	۰/۵۶**	-

* همبستگی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵

** همبستگی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱

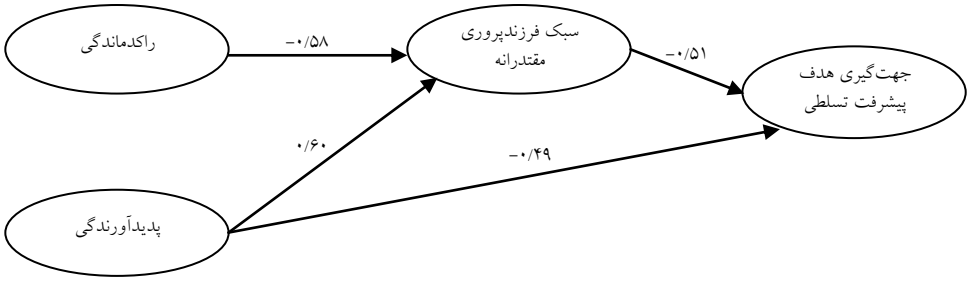
اطلاعات جدول شماره ۲، حاکی از معنادار بودن روابط میان متغیرها به شرح ذیل است: متغیر راکدماندگی، رابطه منفی با پدیدآورندگی و سبک فرزندپروری مقتدرانه و رابطه مثبت با سبکهای فرزندپروری سهل‌گیری، مستبدانه و جهت‌گیری بلاتکلیفی دارد. پدیدآورندگی رابطه منفی با سبکهای فرزندپروری مستبدانه، جهت‌گیری تسلطی و بلاتکلیفی دارد و دارای رابطه مثبت با سبک فرزندپروری مقتدرانه و عملکرد گرایشی است. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه دارای رابطه منفی با جهت‌گیری عملکردی گرایشی است. سبک فرزندپروری مستبدانه دارای رابطه منفی با سبک مقتدرانه و رابطه مثبت با جهت‌گیری عملکردی گرایشی و اجتنابی است و سبک فرزندپروری مقتدرانه با جهت‌گیری تسلطی رابطه مثبت و با بلاتکلیفی رابطه منفی دارد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

در ادامه، چهار مدل براساس چهار متغیر وابسته جهت‌گیری هدف پیشرفت تسلطی، عملکـردی گرایشی، عملکردی اجتنابی و بلاتکلیفی آورده می‌شـود. در هـر مـدل تجربـی، روابـط غیرمعنـادار حذف شده است.

آزمون مدل اول



نمودار شماره ۲. مدل تجربی پژوهش: متغیر وابسته جهت‌گیری هدف تسلطی

اطلاعات مربـوط بـه بـرازش مـدل براسـاس (۰/۸۵) NFI، (۰/۸۸) CFI، (۰/۸۷) AGFI، (۰/۹۱) GFI، (۰/۰۹۴) RMSEA و خی‌دو ۳۵۵/۴۹، حاکی از بـرازش مـدل اول پـژوهش براسـاس روابـط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری و جهت‌گیری هدف پیشرفت تسلطی اسـت. در نمودار شماره ۲ ضرایب تأثیر هر یک از متغیرها آورده شده است. ضرایب تأثیر هر یـک از مسـیرها بیشتر از ۱/۹۶ است که حاکی از معنادار بودن ضرایب است.

جدول شماره ۳. بررسی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

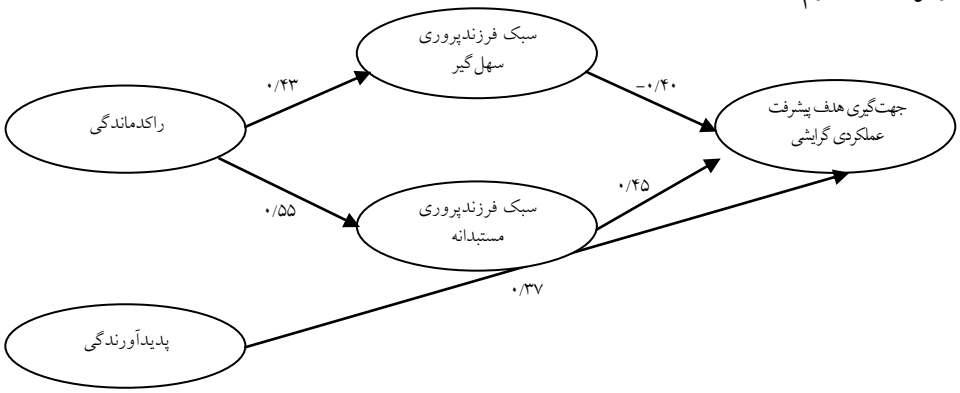
متغیرها	انواع تأثیر		
	مستقیم	غیرمستقیم	کل
راکدماندگی	ـ	۰/۱۵	۰/۱۵
پدیدآورندگی	-۰/۴۹	-۰/۱۷	-۰/۶۶
سبک مقتدرانه	-۰/۵۱	ـ	-۰/۵۱

براساس جـدول شـماره ۳، متغیـر پدیدآورنـدگی هـم دارای تـأثیر مسـتقیم و هـم دارای تـأثیر غیرمستقیم بر جهت‌گیری تسلطی است. ضریب تأثیر کل پدیدآورنـدگی بـر جهـت‌گیـری تسـلطی، ۰/۶۶- است که حاکی از تأثیر منفی این متغیر بر جهت‌گیری تسلطی است. تأثیر کل سبک مقتدرانه نیز بر جهت‌گیری تسلطی، ۰/۵۱- است که تأثیر منفی این متغیر را بر جهت‌گیری تسلطی نشان مـی-دهد. تأثیر کل راکدماندگی بر جهت‌گیری تسلطی نیز برابر با ۰/۱۵ است که حـاکی از تـأثیر مثبـت ایـن

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

متغیر بر جهت‌گیری تسلطی است. مدل اول براساس ضریب تعیین ۰/۵۳ نشان می‌دهد که متغیرهای موجود در مدل ۵۳ درصد از تغییرات متغیر جهت‌گیری تسلطی را تبیین می‌کند.

آزمون مدل دوم



نمودار شماره ۳. مدل تجربی پژوهش: متغیر وابسته جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی گرایشی

اطلاعات مربوط به برازش مدل براساس (۰/۸۸) NFI، (۰/۹۰) CFI، (۰/۹۰) AGFI، (۰/۹۳) GFI، (۰/۰۷۱) RMSEA و خی‌دو ۴۱۶/۵۹، حاکی از برازش مدل دوم پژوهش براساس روابط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری و جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی گرایشی است. در نمودار شماره ۳ ضرایب تأثیر هر یک از متغیرها آورده شده است. ضرایب تأثیر هر یک از مسیرها، بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد که حاکی از معنادار بودن ضرایب است.

جدول شماره ۴. بررسی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

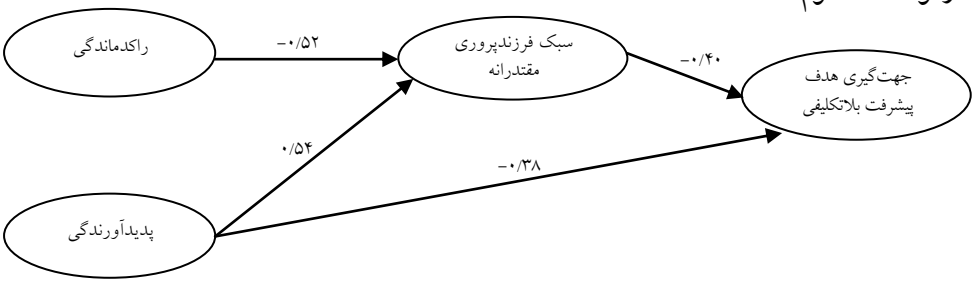
متغیرها	انواع تأثیر		
	مستقیم	غیرمستقیم	کل
راکدماندگی	ـ	۰/۱۱	۰/۱۱
پدیدآورندگی	۰/۳۷	ـ	۰/۳۷
سبک سهل‌گیرانه	-۰/۴۰	ـ	-۰/۴۰
سبک مستبدانه	۰/۴۵	ـ	-۰/۴۵

براساس جدول ۴، متغیرهای راکدماندگی، پدیدآورندگی، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و سبک فرزندپروری مستبدانه بر جهت‌گیری عملکردی گرایشی، دارای تأثیر مستقیم هستند. ضریب تأثیر کل راکدماندگی بر جهت‌گیری عملکردی گرایشی، ۰/۱۱ است که حاکی از تأثیر مثبت این متغیر بر جهت‌گیری گرایشی است. تأثیر کل پدیدآورندگی نیز بر جهت‌گیری عملکردی گرایشی، ۰/۳۷ است که حاکی از تأثیر مثبت این متغیر بر جهت‌گیری گرایشی است. تأثیر کل سبک

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

فرزندپروری سهل‌گیرانه بر جهت‌گیری عملکردی گرایشی، ۰/۴۰- و تأثیر کل سبک فرزندپروری مستبدانه بر جهت‌گیری عملکردی گرایشی ۰/۴۵- است که حاکی از تأثیرات منفی این متغیرها بر جهت‌گیری عملکردی گرایشی است. مدل دوم براساس ضریب تعیین ۰/۳۸ نشان می‌دهد که متغیر موجود در مدل دوم پژوهش، ۳۸ درصد از تغییرات متغیر جهت‌گیری هدف عملکردی گرایشی را تبیین می‌کند.

آزمون مدل سوم



نمودار شماره ۴. مدل تجربی پژوهش: متغیر وابسته جهت‌گیری هدف پیشرفت بلاتکلیفی

اطلاعات مربوط به برازش مدل براساس NFI (۰/۸۶)، CFI (۰/۸۷)، AGFI (۰/۹۰)، GFI (۰/۹۰)، RMSEA (۰/۰۸۷) و خی‌دو ۳۷۴/۷۱، حاکی از برازش مدل سوم پژوهش براساس روابط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری و جهت‌گیری هدف پیشرفت بلاتکلیفی است. در نمودار شماره ۴، ضرایب تأثیر هر یک از متغیرها آورده شده است. ضرایب تأثیر هر یک از مسیرها، بیشتر از ۱/۹۶ است که حاکی از معنادار بودن ضرایب است.

جدول شماره ۵. بررسی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

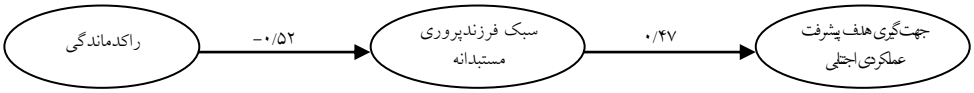
متغیرها	انواع تأثیر		
	مستقیم	غیرمستقیم	کل
راکدماندگی	-	۰/۱۳	۰/۱۳
پدیدآورندگی	-۰/۳۸	-۰/۱۴	-۰/۵۲
سبک مقتدرانه	-۰/۴۰	-	-۰/۴۰

براساس جدول شماره ۵، متغیر راکدماندگی و سبک فرزندپروری مقتدرانه دارای تأثیر مستقیم است و پدیدآورندگی هم دارای تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم بر جهت‌گیری هدف بلاتکلیفی است. ضریب تأثیر کل راکدماندگی بر جهت‌گیری بلاتکلیفی، ۰/۱۳ است که حاکی از تأثیر مثبت این متغیر بر جهت‌گیری بلاتکلیفی است. تأثیر کل پدیدآورندگی بر جهت‌گیری بلاتکلیفی، ۰/۵۲- است که حاکی از تأثیر منفی این متغیر بر بلاتکلیفی است. همچنین تأثیر کل سبک فرزندپروری مقتدرانه

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

بر جهت‌گیری بلاتکلیفی، ۰/۴۰- است که حاکی از تأثیر منفی این متغیر بر جهت‌گیری بلاتکلیفی است. مدل سوم پژوهش، براساس ضریب تعیین ۰/۴۴، نشان می‌دهد که متغیرهای موجود در مدل، ۴۴ درصد از تغییرات متغیر جهت‌گیری بلاتکلیفی را تبیین می‌کند.

آزمون مدل چهارم



نمودار شماره ۵. مدل تجربی پژوهش: متغیر وابسته جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکرد اجتنابی

اطلاعات مربوط به برازش مدل براساس NFI (۰/۸۳)، CFI (۰/۸۶)، AGFI (۰/۸۸)، (۰/۹۰) GFI، (۰/۰۹۷) RMSEA و خی‌دو ۱۵۶/۱۷، حاکی از برازش مدل چهارم پژوهش براساس روابط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری و جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی است. در نمودار شماره ۵ ضرایب تأثیر هر یک از متغیرها آورده شده است. ضرایب تأثیر هر یک از مسیرها، بیشتر از ۱/۹۶ است که حاکی از معنادار بودن ضرایب است.

جدول شماره ۶. بررسی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

متغیرها	انواع تأثیر		
	مستقیم	غیرمستقیم	کل
راکدماندگی	-	۰/۱۹-	۰/۱۹-
سبک مستبدانه	۰/۴۷	-	۰/۴۷

براساس جدول شماره ۶، متغیر راکدماندگی و سبک فرزندپروری مستبدانه، دارای تأثیر مستقیم بر جهت‌گیری هدف عملکردی اجتنابی است. ضریب تأثیر کل راکدماندگی بر جهت‌گیری عملکردی اجتنابی ۰/۱۹- است که حاکی از تأثیر منفی این متغیر بر جهت‌گیری عملکردی اجتنابی است. همچنین ضریب تأثیر کل سبک فرزندپروری مستبدانه بر جهت‌گیری عملکردی اجتنابی، ۰/۴۷ است که حاکی از تأثیر مثبت این متغیر بر جهت‌گیری عملکردی اجتنابی است. مدل چهارم پژوهش، براساس ضریب تعیین ۰/۴۰، نشان می‌دهد که متغیرهای موجود در مدل، ۴۰ درصد از تغییرات متغیر جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نوع هدفی که فرد انتخاب می‌کند، میزان انگیزش او را برای دستیابی به آن هدف، تعیین می‌کند. جهت‌گیری هدف را نباید با اهداف ویژه‌ای که در موقعیتهای آموزشی برای فعالیتها در نظر گرفته می‌شود، یکی دانست. این گونه اهداف، صرفاً محرک فرد برای یادگیری یک تکلیف ویژه هستند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

همچنین به خلاف اهداف آموزشی کـه مبنـای تشـابهات فـردی اسـت، جهـت‌گیـری هـدف، مبنـای تفاوتهای فردی در موقعیتهای تحصیلی است و براساس آنها می‌توان میزان موفقیت فـرد را در ایـن گونه موقعیتها پیش‌بینی نمود. لزوم توجه به موفقیت دانش‌آموزان، نقـش عـواملی همچـون ویژگیهـای شخصیتی والدین و نوع سبک فرزندپروری آنها را بارز می‌کند.

در زمینهٔ سؤال اول پژوهش مبنی بر مدل‌یـابی روابـط پدیدآورنـدگی ـ راکدمانـدگی، سـبکهای فرزندپروری در ارتباط با جهت‌گیری هدف پیشرفت تسلطی، نتایج حـاکی از اثـر مسـتقیم و منفـی پدیدآورندگی بر سبک والدگری مقتدرانه و اثر غیرمستقیم منفی این متغیر بر هدف پیشرفت تسلطی و همچنین اثر مستقیم و منفی راکدماندگی بر سبک والدگری مقتدرانه است. لزوم شاغل بودن والد، براساس چارچوب تئوریکی پدیدآورندگی ـ راکدماندگی، موجب شد که قسمت اعظم گروه نمونـه را در پژوهش حاضر، پدران تشکیل دهند. از سویی نیز نتیجه این قسمت از پژوهش همسو با نتایج پژوهشهایی مانند پترسون[1] و کلونن[2] (۱۹۹۵) و پرت، نـوریس، آرنولـد و فیلیـر (۱۹۹۹) اسـت کـه حاکی از عدم رابطه پدیدآورندگی با سبک فرزندپروری مقتدرانه در پدران بوده است.

از نظر کاتر[3] (۱۹۹۶، به نقل از عریضی سامانی، صادقی و دیباجی، ۱۳۹۰) نیز براساس تمایز دو شیوه متفاوت پدیدآورندگی که شامل تربیـت و مراقبـت از فرزنـدان (شـیوه اشـتراکی) و گسـترش خلاقانه خود در اشکال رهبری، پیشرفت علمی و شغلی می‌شود، اگر انتظـارات مردهـا در شـغل و مسائل مالی در این دامنه سنی برآورده شده باشد، پدیدآورندگی علاوه بر توجه بـه نیازهـای خـود، مسؤولیت‌پذیری در مورد تحول و پیشرفت فرزندان را نیز دربر می‌گیرد. رابطه منفی پدیدآورنـدگی با سبک فرزندپروری مقتدرانه و هدف پیشرفت تسلطی نیز گویای ایـن واقعیـت اسـت کـه تمرکـز پدران بر پیشرفت شغلی و تحقق خود، فرصت چندانی برای پدر در زمینه مراقبت از فرزندان بـاقی نمی‌گذارد و حتی کاهش رضایت از زندگی زناشویی در این دوره سنی محتمل است. به نظـر مـی-رسد در این مرحله، تداخل کار ـ خانواده در سطح بالایی باشد (عریضی سامانی، صادقی، دیباجی، ۱۳۹۰). در این شرایط، فشار گروه همسالان و نیاز به الگو برای همانندسـازی در نوجـوان، موجـب می‌شود تا نوجوان به طور افراطی برای ارزیابی شایستگی فردی خود، به دنبال معیارها و ارزیابیهای بیرونی خارج از خانواده باشد. در حالی که نوجوانان دارای هدف پیشـرفت تسـلطی، شایسـتگی در تکلیف یا مهارت‌یابی را براساس معیارهای خود، تعریف مـی‌کننـد و از چـالش، اسـتقبال مـی‌کننـد

1. Peterson
2. Klohnen
3. Kotre

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

(لطیفیان، هاشمی، ۱۳۸۸). از نظر شیک[1] (۲۰۰۶) نیز ویژگیهای پدر در مقایسه با مادر بر سلامت روان نوجوانان تأثیر بیشتری دارد. اثر منفی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر هدف پیشرفت تسلطی با پژوهشهای اژه‌ای، لواسانی، مال احمدی و خضری آذر (۱۳۹۰)، گونزالز[2] و ولتز[3] (۲۰۰۶؛ به نقل از ترنر[4] و همکاران، ۲۰۰۹)، ولی‌زاده (۱۳۹۰) و فریدل و همکاران (۲۰۱۰) ناهمسو است. این در حالی است که فرهاد تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۸۸)، قاسمی و فولادچنگ (۱۳۹۰)، سید فاطمی، رحمانی، برادران رضایی و صداقت (۱۳۸۸) و یوسفی (۱۳۸۶) در پژوهشهای خود دریافتند که انگیزش تحصیلی در نوجوانان با حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر و درگیری پدر رابطه‌ای ندارد و هدف تسلطی والدین، دارای رابطه منفی با انگیزش، سبک فرزندپروری مقتدرانه دارای رابطه مثبت با احساس اضطراب در فرزندان و رابطه منفی با مهارتهای اجتماعی فرزندان است. این پژوهشها همسو با نتیجه قسمت اول پژوهش هستند. به این معنا که سبک فرزندپروری مقتدرانه لزوماً دارای نتایج مثبتی دربارهٔ فرزندان نیست و ویژگیهای روانی شخصیتی والدین نیز می‌تواند عاملی مهم در این زمینه، محسوب شود.

اثر مستقیم و منفی راکدماندگی بر سبک فرزندپروری مقتدرانه نیز می‌تواند با پژوهش فن هیل (۲۰۰۶ به نقل از شاهی، ۱۳۹۰) مبنی بر رابطه منفی راکدماندگی با گشوده بودن به تجربه و برونگرایی و رابطه منفی راکدماندگی با وجدان (برادلی و مارسیا، ۱۹۹۸) و رابطه مثبت راکدماندگی با روان رنجورخویی (وان هیل، ۲۰۰۶؛ به نقل از شاهی، ۱۳۹۰) همسو باشد. یعنی با توجه به ویژگیهای افراد راکدمانده و انفعال آنها در زمینه‌های گوناگون، گرایش کمتر آنها به سبک فرزندپروری سالم‌تر، قابل پیش‌بینی است.

در زمینهٔ سؤال دوم پژوهش مبنی بر مدل‌یابی روابط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی و سبکهای فرزندپروری در ارتباط با جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی گرایشی، نتایج حاکی از اثر مستقیم و منفی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر هدف پیشرفت عملکردی گرایشی، اثر مستقیم و مثبت سبک فرزندپروری مستبدانه بر هدف پیشرفت عملکردی گرایشی و اثر غیرمستقیم مثبت راکدماندگی بر هدف پیشرفت عملکردی گرایشی به واسطه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه است. تمایل نوجوان برای کاهش جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی گرایشی با افزایش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، نشان می‌دهد، کنترل والدین آسان‌گیر بر فرزندان خود، کم است و

1. Shieck
2. Gonzalez
3. Woltz
4. Turner

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

فرزندان، خودشان تصمیم‌گیرنده هستند و از این رو ملاک شایستگی‌شان را خودشان تعیین می‌کنند که ممکن است لزوماً درست نباشد و در این شرایط، سردرگمی در آنها قابل پیش‌بینی است (بابا پورخیرالدین، اسماعیلی انامق، غلام‌زاده و محمدپور، ۱۳۹۱). براساس پژوهش اژه‌ای، غلامعلی لواسانی، مال احمدی و خضری آذر (۱۳۹۰) نیز سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه منفی با هدف پیشرفت عملکردی گرایشی دارد. اما گونزالز (۲۰۰۵؛ به نقل از اژه‌ای و همکاران، ۱۳۹۰) در نتیجه‌ای متفاوت دریافت که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه مثبت با جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی گرایشی دارد.

اثر مستقیم و مثبت سبک فرزندپروری مستبدانه بر هدف پیشرفت عملکردی (گرایشی) حاکی از تمایل والدین مستبد برای پذیرش بدون پرسش قضاوتها، ارزشها و اهداف، از سوی فرزندان است. در این شرایط، فرصت کافی برای فرزندان به منظور آزمون عقاید وجود ندارد و فرزندان برای قضاوت در مورد خودشان، صرفاً به مقایسه‌های اجتماعی به منزلهٔ یک معیار، پناه می‌برند. این یافته با پژوهشهای گونزالز و همکاران (۲۰۰۶؛ به نقل از ترنر و همکاران، ۲۰۰۹) مبنی بر رابطه مثبت سبک فرزندپروری مستبدانه با عملکردی بودن افراد، همسوست و با پژوهش ریورز[1] (۲۰۰۶) مبنی بر رابطه منفی و یا عدم رابطه سبک فرزندپروری مستبدانه با عملکردی بودن افراد، ناهمسوست. نتایج متناقضی نیز در پژوهش ری[2] و پلاپ[3] (۲۰۰۶) دیده می‌شود که، نوجوانان بهنجار و بدون اختلال روانی و رفتاری، والدین خود را افرادی کنترل‌کننده و بی‌احساس دانسته‌اند. به نظر می‌رسد فرهنگ، در این زمینه نقشی اساسی داشته باشد. در جوامع جمع‌گرا و دارای ارزشهای جمع‌گرایی، سبک فرزندپروری مقتدرانه لزوماً مهم‌ترین و بهترین جنبه فرزندپروری نیست. زیرا کودک ایده‌آل، خویشتنداری افراطی دارد و اطاعت، پایبندی به هویت گروهی و خویشتنداری صرف، ارزش به شمار می آید. حتی پیامدهای این نوع از سبک فرزندپروری که گاهی به مستبدانه نزدیک می‌شود، برای برخی از فرهنگها مانند چین مثبت بوده است (یوسفی، ۱۳۸۶). از سویی نیز افراد راکدمانده، مسؤولیت‌پذیری کمتری دارند و فضای ذهنی آنها بیشتر با انتظارات و نیازهای ارضا نشده گذشته پر شده است. در این شرایط ظهور سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه در والدین محتمل است، زیرا والد، جایگاه واقعی خود را در توجه و مراقبت از فرزند، از دست می‌دهد و هدایت فرزندان به سوی هدف پیشرفت عملکردی گرایشی، چندان دور از ذهن نیست. افراد راکدمانده از

1. Rivers
2. Ray
3. Plop

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

روان رنجورخویی و خودشیفتگی بالاتر و گشودگی به تجربه کمتری برخوردار هستند (ون هیل، ۲۰۰۶؛ به نقل از شاهی، ۱۳۹۰). از نظر گیرت[1] و همکاران (۲۰۰۹) نیز والدین دارای نوروتیزم بیشتر، در تعاملات والدینی خود پریشان‌تر، بی‌قرارتر و متعارض‌تر هستند (باقریان، باعزت و حسن‌زاده، ۱۳۹۱). آنچه در نهایت از سؤال دوم پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، نشان می‌دهد که راکدماندگی والد در کنار سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، نوجوان را در راستای هدف پیشرفتی قرار می‌دهد که با وجود دستاوردهای مثبت و اضطراب کمتر در مقایسه با افراد عملکردی اجتنابی، می‌تواند اعتماد او را به توانایی خود در ارزشگذاری و تحلیل معیارهای درونی‌اش کاهش دهد و خودکارآمدی او را محدود کند.

در زمینهٔ سؤال سوم پژوهش مبنی بر مدل‌یابی روابط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی، سبکهای فرزندپروری در ارتباط با جهت‌گیری هدف پیشرفت بلاتکلیفی، نتایج حاکی از اثر مستقیم و منفی پدیدآورندگی بر جهت‌گیری هدف پیشرفت بلاتکلیفی و اثر غیرمستقیم و منفی این متغیر بر جهت-گیری هدف پیشرفت بلاتکلیفی، اثر غیرمستقیم مثبت راکدماندگی بر هدف پیشرفت بلاتکلیفی و اثر مستقیم و منفی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر هدف پیشرفت بلاتکلیفی است. براساس پژوهش آبار، کارتر و وینسلر (۲۰۰۹)، والدین مقتدر، مسؤول‌تر و حمایتگرتر هستند و فرزندان این والدین از شیوه حل مسئله برای حل مشکلات خود استفاده می‌کنند. الگوهای خودکارآمدپنداری در این فرزندان شکل می‌گیرد. فرزندپروری مقتدرانه با تعهد هویت، هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری رابطه مثبت دارد (بابا پورخیرالدین و همکاران، ۱۳۹۱). از افراد پدیدآورنده و دارای راکدماندگی کمتر انتظار می‌رود که در قبال فرزندان، مسؤول‌تر باشند. براساس پژوهش رجبی دماوندی، پوشنه و غباری بناب (۱۳۸۸) نیز ثبات هیجانی، مسؤولیت‌پذیری و خستگی‌ناپذیری والدین با راهبردهای مسئله-محور، رابطه مثبت دارد. این والدین، فرزندانی را پرورش می‌دهند که برای تصمیم‌گیری در مورد شایستگی خود براساس معیارهای درونی خود یا دیگران، کمتر دچار سردرگمی و بلاتکلیفی می-شوند و می‌توانند در این زمینه به تعادل برسند. با وجود آنکه تکیه بیشتر به معیارهای بیرونی برای قضاوت در مورد شایستگی در انجام دادن تکالیف، با موفقیت و سلامت کمتر در ارتباط است، امّا این شرایط در مقایسه با زمانی که نوجوانان نه اعتمادی به معیارهای خود دارند و نه اعتماد به معیارهای بیرونی دارند، با پیامدهای تحصیلی، آموزشی و روانی بهتر همراه است. زیرا فرزندان دارای هدف تسلطی یا عملکردی در مقایسه با نوجوانان سردرگم و بلاتکلیف، از درون‌ریزیهای

1. Geert

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

هیجانی منفی کمتری برخوردار هستند و از نظر هویت، وضعیت بهتری دارند (الیور، گرین، کافمن، ۲۰۰۹). پژوهش باباپور و محمدی (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد، روان رنجورخویی والدین با هویت هنجاری و سردرگمی بیشتر در فرزندان رابطه دارد (نوروزی، ۱۳۹۱) در حالی که راکدماندگی کمتر با اجتماعی بودن و رضایتمندی بیشتر در روابط همراه است (هارت[1] و همکاران، ۲۰۰۱).

نتایج تحلیل داده‌ها در مورد آخرین سؤال پژوهش مبنی بر مدل‌یابی روابط پدیدآورندگی ـ راکدماندگی و سبکهای فرزندپروری در ارتباط با جهت‌گیری هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی، حاکی از اثر مستقیم و مثبت سبک فرزندپروری مستبدانه بر هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی و اثر غیرمستقیم و منفی راکدماندگی بر هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی است. با آنکه دانش‌آموزان دارای عملکرد گرایشی نیز در پی دستیابی به چارچوبها و معیارهای ارزشگذاری بیرونی برای خود هستند امّا دانش‌آموزان دارای عملکرد اجتنابی، دارای اضطراب و تنش بیشتر و خودگوییهای منفی بیشتر هستند. این نوجوانان برای فرار از بی‌کفایت به نظر رسیدن از دید همکلاسیهای خود، به صورت افراطی‌تر می‌خواهند تا با صرف حداقل تلاش ممکن و کمترین زمان برای حصول نتایج، از تکالیف چالش-انگیز اجتناب کنند (سلار، استالماخر، یانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ تومینین ـ سوئینی، سالملا ـ آرو، نیمی ویرتا، ۲۰۱۱). فرزندان والدین مستبد، از نظر اجتماعی، مضطرب هستند و از گوشه‌گیری، فقدان استقلال، تحریک‌پذیری و آسیب‌پذیری بیشتر و از توانایی تصمیم‌گیری و ابتکار عمل کمتر برخوردارند (ودودی مفید، آزاد فلاح و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۱؛ زنگنه ابراهیمی، ۱۳۸۹؛ جان بزرگی و نوری، ۱۳۸۷).

سامانی، سهرابی شگفتی و منصوری (۱۳۹۰) دریافتند، سبک فرزندپروری ناکارآمد از طریق به کارگیری استراتژیهای منفی در تنظیم شناختی هیجان، موجب افزایش مشکلات هیجانی در نوجوانان می‌شود. ادراک فرزندان از مهرورزی مادر، ادراک از مشارکت پدر و بهره‌وری مثبت از هیجانها با خود ناتوان‌سازی فرزندان رابطه منفی دارد (ذبیح‌الهی، غلامعلی لواسانی و اژه‌ای، ۱۳۹۱). نتیجه این بخش از پژوهش با یافته‌های بابا پورخیرالدین و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر رابطه سبک فرزندپروری مستبدانه با سبک منفی هویت اجتماعی همسوست. اثر غیرمستقیم و منفی راکدماندگی بر هدف پیشرفت عملکردی اجتنابی و نقش سبک فرزندپروری مستبدانه در این میان، می‌تواند بدین معنا باشد که راکدماندگی والد در کنار سبک فرزندپروری مستبدانه، می‌تواند افراد را بیشتر مستعد جهت‌گیری هدف پیشرفت گرایشی کند تا هدف پیشرفت اجتنابی. دلیل این امر، شاید این

1. Hart

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

باشد که اگرچه راکدماندگی با نادیده‌انگاری فرزند (در زمینه عدم واکنش به رفتارهای منفی فرزندان) رابطه مثبت دارد امّا با درگیری مثبت والد نیز رابطه دارد، زیرا والد راکدمانده گاهی برای فرزندان وقت می‌گذارد و اگرچه در برابر رفتارهای منفی فرزندان ممکن است، حتی عصبانی هم نشود اما در برابر رفتارهای مثبت، ممکن است پاداش دهد. بنابراین انتظار می‌رود با وجود اهمیت چارچوبهای بیرونی برای نوجوان در زمینه هدف‌گذاری، اضطراب کمتری برای فرزندان به همراه داشته باشد (شاهی، ۱۳۹۰).

بدیهی است فردی که ازدواج می‌کند با ویژگیهای شخصیتی خودش وارد مرحله جدید زندگی می‌شود و در زمان پذیرش نقش والدگری بر نحوه تربیت و مؤلفه‌های تحصیلی، شخصیتی، روانی و اجتماعی فرزندانش تأثیرمی گذارد. بنابراین سبکهای فرزندپروری والدین در خلأ شکل نمی‌گیرند و ویژگیهای فرزندان متأثر از این ویژگیها هستند. آگاهی دادن به والدین و تعدیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شیوه فرزندپروری آنها می‌تواند شرایط بهتری را برای فرزندان به وجود آورد. از این رو، تعادل در چرخه زندگی افراد سبب می شود که جامعه دارای انسانهای سالم‌تر و در نتیجه فرزندان سالم تر باشد. از آنجایی که در پژوهش حاضر، شاغل بودن، یکی از عوامل مهم در پدیدآورندگی و راکدماندگی والدین است، بنابراین نمونه پژوهش حاضر را سرپرستان شاغل خانواده تشکیل داده‌اند که غالباً پدران بوده‌اند. در پژوهشهای آتی می‌توان مادران شاغل را صرف‌نظر از اینکه سرپرست خانواده هستند یا نه به عنوان گروه نمونه مدنظر قرار داد و نتایج را با نتیجه پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار داد.

در زمینه پیشنهادات کاربردی پژوهش حاضر می‌توان گفت که آگاهی دادن به والدین در زمینه تأثیرگذاری ویژگیهای رشدی در هر مرحله از زندگی بر شخصیت آنها و متأثر شدن سبک فرزندپروری آنان از این ویژگیها، قدمی اساسی برای سلامت روانی نوجوانان است. اهمیت شکل-گیری اهداف پیشرفت مناسب در نوجوانان، در مواردی مستلزم آموزشهای روانی ـ رفتاری مناسب به والدین در زمینه حل تعارضهای درونی و میان- فردی خود است. در این میان بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در والد شدن، جامعه را در شرایطی قرار داده است که اهمیت دامنه سنی ۴۰ تا ۶۰ و مسائل پیرامونی آن در ارتباط با والدگری، بارزتر خواهد شد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

منابع

احمدی، وحید؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز؛ زرگر، یداله؛ ارشدی، نسرین و پالاهنگ، حسین. (۱۳۹۲). طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای شخصیت خودشیفته در دانشجویان. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، سال هشتم، شماره ۲۹، ۸-۳۰.

اژه‌ای، جواد؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ مال احمدی، احسان و خضری آذر، هیمن. (۱۳۹۰). الگوی علی روابط بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی. *مجله روانشناسی* ۵۹، سال پانزدهم، شماره ۳، ۲۸۴-۳۰۱.

باباپور، تینا و محمدی، شهناز. (۱۳۹۱). رابطه سبکهای هویت، مدل ۵ عاملی شخصیت و تعارضات زناشویی. *روانشناسی معاصر*، دوره هفتم، ۳۸۸-۳۹۲.

باباپورخیرالدین، جلیل؛ اسماعیلی انامق، بهمن؛ غلام‌زاده، مجتبی و محمدپور، وهاب. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبکهای هویتی نوجوانان. *مجله روانشناسی* ۶۲، سال شانزدهم، شماره ۲، ۱۶۱-۱۷۵.

باقریان، شیرین؛ باعزت، فرشته و حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین، سبکهای دلبستگی و مشکلات رفتاری فرزندان. *مجله روانشناسی معاصر*، دوره هفتم، ۴۵۸-۴۶۱.

تنهای رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه. (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله دانشور رفتار*، سال شانزدهم، شماره ۳۹، ۱-۱۴.

جان بزرگی، مسعود و نوری، ناهید. (۱۳۸۷). *آموزش اخلاقی، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری در کودکان*. تهران: ارجمند.

ذبیح‌اللهی، کاظم؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و اژه‌ای، جواد. (۱۳۹۱). رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی با خودناتوان‌سازی. *مجله روانشناسی* ۶۴، سال ۱۶، شماره ۴، ۳۳۹-۳۵۴.

رجبی دماوندی، گیلدا؛ پوشنه، کامبیز و غباری بناب، باقر. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در والدین کودکان با اختلالهای گستره اوتیسم. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۳-۱۴۴.

زنگنه ابراهیمی، حسن.(۱۳۸۹) *رابطه مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال اول متوسطه شهرستان خواف- سال تحصیلی ۸۹-۸۸* پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.

سامانی، سیامک؛ سهرابی شگفتی، نادره و منصوری، سپیده‌السادات. (۱۳۹۰). نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان برای سبک والدگری و مشکلات هیجانی. *مجله روشها و مدل‌های روانشناختی*، جلد ۱، شماره ۳، ۱۱۹-۱۳۳.

سپهریان آذر، فیروزه؛ امانی ساری بگلو، جواد و محمودی، حجت. (۱۳۹۲). عزت نفس نوجوانان و سبکهای فرزندپروری: نقش واسطه‌ای برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی. *مجله علوم رفتاری*، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۵۱-۱۵۸.

سید فاطمی، نعیمه؛ رحمانی، فرناز؛ برادران رضایی، مهین و صداقت، کامران. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان استقلال دانش‌آموزان نوجوان مدارس شهر تبریز. *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران*، دوره بیست و دوم، شماره ۶۲، ۷۵-۸۴.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

شاهی، حسن. (۱۳۹۰). *رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، فرایندهای خودنظم‌جویی و سبک زندگی در دوره میانسالی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.

عریضی سامانی، حمیدرضا؛ صادقی، میثم و دیباجی، میثم. (۱۳۹۰). مطالعه‌ای بر تعارض تکالیف کار با تکالیف خانواده در مراحل رشدی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی*، سال اول، شماره ۱، ۶۵-۸۱.

عطایی فر، ربابه و شقاقی، فرهاد.(۱۳۹۰). رابطه جهت گیری هدف، خودتنظیمی یادگیری با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر سال سوم رشته های ریاضی-فیزیک و علوم انسانی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۶، ۴۹-۶۵.

قاسمی، علی و فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۰). بررسی نقش تأکیدات هدفی والدین در خودتنظیمی یادگیری دانش-آموزان. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، شماره ۱۱، ۷۰-۸۶.

کهولت، نعیمه و جوکار، بهرام. (۱۳۹۱). ارائه مدل علی برای شادی براساس ابعاد هویت با واسطه جهت‌گیری هدف. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، سال سیزدهم، شماره ۲، ۸۱-۹۴.

لطیفیان، مرتضی و هاشمی، لادن. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کمال گرایی و جهت گزینی هدف در میان دانش آموزان پیش دانشگاهی دولتی (با گرایش های علوم تجربی و ریاضی). *مجله مطالعات روانشناسی*، دوره پنجم، شماره ۳، ۹-۲۶.

نوروزی، اکرم. (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی والدین با سبکهای هویت و تعهد هویت در نوجوانان. *روانشناسی معاصر*، دوره هفتم، ۳۱۳۷-۳۱۴۱.

ودودی مفید، پروین؛ آزاد فلاح، پرویز و رسول‌زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۹۱). سبکهای والدگری، ویژگی‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *مجله روانشناسی* ۶۲، سال شانزدهم، شماره ۲، ۱۰۶-۱۲۰.

ولی‌زاده، شیرین. (۱۳۹۰). سبک‌های والدگری و پیشرفت تحصیلی: نقش واسطه‌گر خودپنداشت یا حرمت خود؟ *مجله روانشناسی تحولی روانشناسان ایران*، سال هشتم، شماره ۳۰، ۱۴۳-۱۵۵.

هاشمی، تورج؛ مصطفوی، فریده؛ ماشینچی، نعیمه و بدری، رحیم. (۱۳۹۱). نقش جهت‌گیری هدف، خودکارآمدی، خودتنظیمی و شخصیت در تعلل‌ورزی. *روانشناسی معاصر*، شماره ۷، ۷۳-۸۴.

یوسفی، فریده. (۱۳۸۶). ارتباط سبک فرزندپروری والدین با مهارتهای اجتماعی و جنبه‌هایی از خودپنداره دانش-آموزان دبیرستانی. *دو ماهنامه علمی ـ پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال چهاردهم، شماره ۲۲، ۳۷-۴۶.

Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self regulation, academic achievement and risk behavior among African-American parochial students. *Journal of Adolescence*, *32*(2), 259-273.

Ackerman, S., Zuroff, D. C., & Moskowitz, D. S. (2000). Generativity in midlife and young adults: Links to agency, communion and subjective well-being. *Aging and Human Development*, *50*(1), 17-41.

Bradley, C. L., & Marcia, J. E. (1998). Generativity-Stagnation: A five-category model. *Journal of Personality*, *66*, 39-64.

Cellar, D. F., Stuhlmacher, A. F., Young, S. K., Fisher, D. M., Adair, C. K., Haynes, S., Twichell, E., Arnold, K. A., Royer, K., Denning, B. L., & Riester, D. (2010). Trait

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

goal orientation, self-regulation, and performance: A meta–analysis. *Journal of Business and Psychology*, *26*, 467-483.

Creed, P., Tilbury, C., Buys, N., & Crawford, M. (2011). Cross-lagged relationships between career aspirations and goal orientation in early adolescents. *Journal of Vocational Behavior*, *78*(1), 92-99.

De Medeiros, K. (2009). Suffering and generativity: Repairing threats to self in old age. *Journal of Aging Studies*, *23*(2), 97-102.

Frensch, K. M., Pratt, M. W., & Norris, J. E. (2007). Foundation of generativity: Personal and family correlates of emerging adults' generative life-story themes. *Journal of Research in Personality*, *41*(1), 45-62.

Friedel, J. M., Cortina., K. S., Turner, J. C., & Midgley, C. (2010). Changes in efficacy beliefs in mathematics across the transition to middle school. Examining the effects of perceived teacher and parent goal emphases. *Journal of Educational Psychology*, *10*, 102-114.

Hart, H. M., McAdams, D. P., Hirsch, B. J., & Bauer, J. J. (2001). Generativity and social involvement among African-American and white adults. *Journal of Research in Personality*, *35*, 208-230.

Helson, R., & Stewart, A. J. (1994). Personality change in adulthood. In T. F. Heatherton & J. L. Weinberger (Eds.), *Can personality change?* (pp. 201-225). Washington, DC: American Psychology Association Press.

Lau, S., & Nie, Y. (2008). Interplay between personal goals and classroom goal structures in predicting student outcomes: A multilevel analysis of person-context interactions. *Journal of Educational Psychology*, *100*(1), 15-29.

Lee, J. Q., McInerney, D. M., Liem, G. A. D., & Ortiga, Y. P. (2010). The relationship between future goals and achievement goal orientations: An intrinsic-extrinsic motivation perspective. *Contemporary Educational Psychology*, *35*, 264-279.

O'keefe, P. A., Ben-Eliyahu, A., & Linnenbrink-Garcia. L. (2012). Shaping achievement goal orientations in a mastery-structured environment and concomitant changes in related contingencies of self-worth. Springer Science. 08 April.

Oliver, P. H, Guerin, D. W., & Coffman, J. K. (2009). Big five parental personality traits, parenting behaviors, and adolescent behavior problems: A mediation model. *Journal of Personality and Individual Differences*, *47*, 631-636.

Peterson, B. E., & Klohnen, E. C. (1995). Realization of generativity in two samples of women at midlife. *Psychology and Aging*, *10*(1), 20-29.

Pratt, M. W., Norris, J. E., Arnold, M. L., & Filyer, R. J. (1999). Generativity and moral development as predictors of value-socialization narratives of young persons across the adult life span: From lessons learned to stories shared. *Psychology and Aging*, *14*(3), 414-426.

Putwain, D. W., & Daniels, R. A. (2013). Is the relationship between competence beliefs and test anxiety influenced by goal orientation? *Learning and Individual Differences*, *20*(1), 8-13.

Ray, J. M., & Plop, J. M. (2006). Quality of perceived parenting in positional and conduct disorder adolescents. *Journal of American Academy of Children and Adolescent Psychiatry*, *29*, 382-389.

Rivers, J. Jr. (2006). *The relationship between parenting style and academic and the mediating influences of motivation, goal orientation and academic self-efficacy*.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

Dissertation for the fulfillment of the requirements of doctor of philosophy. Florida State University, College of Human Sciences.

Shieck, N. (2006). Parenting style and its correlates. *Genetic, Social and General Psychology Monographs*, *125*(3), 269-297.

Stewart, A. J., & Ostrove, J. M. (1998). Women's personality in middle age: Gender, history and midcourse corrections. *American Psychologist, 53*(11), 1185-1194.

Tuominen-Soini, H., Salmela-Aro, K. & Niemivirta, M. (2011). Stability and change in achievement goal orientations: A person-centered-approach. *Contemporary Educational Psychology, 36*, 82-100.

Turner, E. A., Chandler, M., & Haffer, R. W. (2009). The influence of parenting styles, achievement motivation and self-efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development, 50(3)*, 337-346.

Vaillant, G. E., & Milofsky. (1980). The natural history of male psychological health: IX. Empirical evidence for Erikson's model of the life cycle. *American Journal of Personality, 137*, 1348-1359.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.3.6]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-17]